



افشاگری وهابی مسلمان شده از طرفندهای مستخدمین اسرائیل برای فریب دنیای اسلام

«سلفی» در جهان اهل تسنن مفهومی مقدس است، ما اشتباه کرده‌ایم که وهابی را مترادف با سلفی گرفته‌ایم. وهابیت با یک مغلطه و تحریف بزرگ تاریخی با نام «سلفی» به خود مشروعیت دادند و با یک تغییر ...

«سلفی» در جهان اهل تسنن مفهومی مقدس است، ما اشتباه کرده‌ایم که وهابی را مترادف با سلفی گرفته‌ایم. وهابیت با یک مغلطه و تحریف بزرگ تاریخی با نام «سلفی» به خود مشروعیت دادند و با یک تغییر ...

به دکتر عصام علی العماد الیمنی، شیعه‌شناس، متخصص در علم رجال و حدیث و تاریخ، مدرس مجمع جهانی اهل بیت (ع) و فارغ‌التحصیل مدرسه امام محمد سعود عربستان سعودی است. وی که خود زمانی پیرو وهابیت بوده و به مذهب تشیع گرویده، در گفت‌وگویی مفصل با تسنیم به بررسی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی گفتمان تقریب در جهان اسلام پرداخته و معتقد است وهابیت و جریان تکفیری مهم‌ترین مانع وحدت اسلامی است که همواره و به‌ویژه طی دو دهه اخیر کوشیده است تا با انواع شگردها بین مذاهب اسلامی اختلاف‌انگیزی کند.

عصام العماد معتقد است که وهابیت از طرفندها و شگردهای متعددی برای تفرقه‌افکنی و فتنه مذهبی در بین مسلمانان استفاده می‌کند که از جمله آنها تخریب چهره‌های برجسته و تأثیرگذار تقریبی دنیای اسلام در میان اهل سنت و شیعه، تحریف آرا و افکار بزرگان اهل سنت حتی آثار ابن تیمیه برای تکفیر شیعیان و نسبت‌های دروغ به علمای طراز اول اهل تسنن است. وی می‌گوید: از جمله مسائلی که امروز وهابیت به شدت روی آن کار می‌کنند آن است که محتوای توحید تکفیری وهابی را در قالب توحید بزرگان و ائمه اهل سنت مانند امام شافعی، امام فخر رازی و... چاپ کرده و در کشورهای سنی‌مذهب توزیع کرده‌اند.

وی معتقد است همه ظهور وهابیت ریشه در مخالفت ابن تیمیه با عالم برجسته اهل سنت بازمی‌گردد: ابوحامد غزالی و امام فخر رازی؛ و به جرأت می‌توان گفت که 99 درصد آثار ابن تیمیه در رد این دو شخصیت بزرگ است و با رد کردن این شخصیت بزرگ جهان اهل تسنن در حقیقت به مبارزه با عقل و علم کلام (و خداشناسی) برخاسته است.

عصام همچنین معتقد است از دیگر شگردهای وهابیت برای ایجاد شکاف میان تسنن و تشیع تضعیف حوزه‌های علمی اهل تسنن و تزریق شخصیت‌های وهابی به حوزه‌های علمی اهل سنت است. به عقیده این اسلام‌شناس یمنی‌الاصل حمایت از وزرای فرهنگ کشورهای مختلف برای بایکوت کردن و در تنگنا قرار دادن شیعه از دیگر شگردهای وهابیت است.

آنان همچنین کتاب‌های متعددی با موضوع روش تبلیغ در مناطق مختلف جهان اهل تسنن توزیع کرده‌اند و پایان‌نامه‌های دانشگاهی متعددی در حوزه روش تبلیغ در مقاطع دکتری در دانشگاه‌های عربستان دفاع شده است. آنان به هر سرزمینی وارد می‌شوند، ابتدا در ظاهر با اعتقاد مردم همراهی کنند تا بتوانند آرام آرام آن‌ها را جذب و برای خود تربیت کنند و مهم‌ترین زمینه و بستر برای تبلیغات انحرافی آنها، بی‌اطلاعی و بی‌سوادی اغلب مسلمانان است.

* «سلفی» در جهان اهل سنت مفهومی مقدس و ممدوح است

عصام العماد معتقد است یکی دیگر از شگردهای وهابیت برای ایجاد شکاف میان اهل تسنن و تشیع، استفاده از مفهوم «سلفیت» به جای «وهابی» است. کلمه «سلفی» به دلیل انتساب به سلف صالح و بزرگان اهل سنت، در طول تاریخ همواره برای جهان اهل سنت مفهومی مقدس و محبوب تلقی می‌شده، در حالی که کلمه «وهابی» واژه‌ای نوظهور منتسب به محمد عبدالوهاب است و جامعه اهل تسنن آن را قبول ندارد. از همین روی کوشیدند تا محتویات تفکرات وهابی را در قالب زیبا و ممدوح و مقبول سلفی به خورد مسلمانان اهل تسنن بدهند.

* سیدجمال؛ نخستین کسی که واژه سلفی را رسانه‌ای و جهانی کرد

وی می‌گوید: سیدجمال‌الدین اسدآبادی به دلیل اقدامات تقریبی و مبارزات‌اش در میان اعراب به جمال‌الدین افغانی سلفی مشهور بود. هر چند که واژه «سلفی» از همان قرون نخستین اسلامی مصطلح شد و کلمه سلفی در قرن اول و دوم هم وجود داشت، اما نخستین کسی که این کلمه را به تعبیری رسانه‌ای و جهانی کرد، جمال‌الدین سلفی است.

به همین دلیل است که اعراب و همه مسلمانان به رسم احترام و از سر تکریم به جمال‌الدین و محمد عبده را «سلفی» و نهضت آنان را «حرکت السلفية» می‌دانند. امام حسن‌البناء مؤسس و رهبر اخوان المسلمین در تعریف این جنبش و برای اصالت دادن به آن می‌گفت «نحن سلفیون». معنا و مفهوم «سلفی» در کلام حسن‌البناء غیر از معنای «سلفی» در زبان امروز است.

* کاربرد کلمه «سلفی» برای «وهابی» به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد

این اسلام‌شناس یمنی‌الاصول تصریح کرد: مراد حسن‌البناء از سلفی آن است که ما اهل سنت حقیقی هستیم و در صد بازگشت به اندیشه‌های سلف، قرآن، اسلام اصیل محمدی و واقعی هستیم. «سلفی» در زبان جمال‌الدین هم همین معنای بازگشت به اسلام اصیل را دارد.

در زمان مشروطه در اوایل قرن 20 هم همیشه کلمه «سلفی» به اندیشمندان و متفکران بزرگ جهان اسلام مانند امام حسن‌البناء، جمال‌الدین اسدآبادی، محمدآقبال لاهوری و... اطلاق می‌شد. تقریباً از زمان رشیدرضا به بعد، زمانی که وهابیت پی بردند که جهان اسلام از کلمه «وهابی» بیزار است، کلمه ممدوح و مقدس «سلفی» را جایگزین کلمه وهابی کردند. بنابراین کاربرد کلمه «سلفی» برای «وهابی» به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد و از زمان ظهور وهابیت تا اوایل قرن 20 کلمه سلفی برای اشاره به وهابیت مطرح نمی‌شد.

* ما اشتباه کرده‌ایم که وهابی را مترادف با سلفی گرفته‌ایم

وی گفت: واقعیت این است که ما هم اشتباه کرده‌ایم که کلمه وهابیت و سلفیت را به عنوان مترادف یکدیگر پذیرفته‌ایم، در حالی که این ترادف اصلاً درست نیست. مفتی اعظم اهل تسنن در سوره، شهید علامه سعید رمضان البوطی در کتاب خود به نام «سلفیت؛ بدعت نه مذهب» صراحتاً عنوان کرده که کلمه سلفیت چیزی غیر از کلمه وهابیت است.

یکی از دلایلی که وهابیت تصمیم گرفت خود را با عنوان سلفی در جهان اسلام معرفی کنند این بود که می‌دانستند با این روش می‌توانند سنی‌ها را جذب خود کند. چراکه وهابی منتسب به محمدعبدالوهاب است و به او برمی‌گردد، اما سلفی ادعای بازگشت به اسلام ناب محمدی یا به قول برخی از بزرگان به دنبال بازگشت به خویشتن خویش را دارد.

* یک مغلطه بزرگ و تحریف تاریخ

به باور عصام العمداد در اوایل قرن 20 مسلمانان تحت تأثیر استعمار، بسیار به تفکر غرب‌گرایش داشتند و از همین روی سیدجمال‌الدین از احیای دنیای اسلام هشدار داد که ما باید به خویشتن بازگردیم و برای القای این معنا واژه سلف را به کار برد و سلفی در کلام او در واقع به معنای بازگشت به اسلام است. در زمان حسن‌البناء هم سلفی معنای بازگشت به خویشتن دارد، در حالی که امروز وهابیت با مترادف دانستن سلفی و وهابی ادعا می‌کند که حسن‌البناء اعلام کرده که «وهابی» بوده است.

این یک مغلطه بزرگ و تحریف تاریخ است. در حقیقت حسن‌البناء از آن جهت خود را سلفی معرفی کرده که قصد داشته تا اعلام کند که در امتداد جنبش جمال‌الدین قرار گرفته است. وهابیون امروز از کلمه سلفی سوء استفاده می‌کنند در حالی که شهید علامه سعید رمضان البوطی در کتابش تصریح می‌کند که سلفی به مفهوم بازگشت به خویشتن است و با بدعت وهابیت متفاوت است.

* با یک تغییر اسم توانستند شیعیان و اهل تسنن را به جان هم بیندازند

وی خاطر نشان کرد: از سوی دیگر وهابیت با ادعای سلفی بودن می‌تواند به برنامه شیعه وانمود کند که تفکر وهابیت، تفکر اهل تسنن است. همچنان که برخی برداران شیعه به من می‌گویند دشمنان واقعی اسلام همین سلفیت است. اما من به آنها پاسخ دادم که سلفیت غیر از وهابیت است و اینها با یک تغییر اسم ساده توانسته‌اند بسیاری از شیعیان و اهل تسنن را فریب دهند و به جان هم بیندازند. در حالی که در قرن 18 و 19 و حتی تا نیمه قرن بیستم و حوالی سال‌های 1950 کلمه سلفی با مفهوم حقیقی خود مورد استفاده قرار می‌گرفت. از زمان تشکیل دولت عربستان و اقدامات دیپلماتیک آنها در تغییر نام وهابیت، کلمه سلفی به جای کلمه وهابی استفاده شد.

* سلفیون از همان قرون اول وجود داشتند، اما هیچگاه شیعه نکشتند

عصام العمداد تصریح کرد: سلفیون از همان قرون اولیه در جهان اسلام حضور داشتند، اما هیچگاه شیعه نمی‌کشتند. امام بخاری و امام مسلم نیشابوری از بزرگان اهل سنت خود سلفی بودند، اما به عنوان سلفی واقعی هرگز فتوا ندادند که مثلاً کسانی که قائل به توسل هستند باید کشته شوند. ما باید «سلفی» را با تعریف حقیقی اهل تسنن معرفی کنیم. چون وهابی منسوب به محمد عبدالوهاب است، اما «سلفی» منسوب به امام بخاری سمرقندی، امام مسلم، امام فخر رازی، امام طبری و... است.

پس واقعیت آن است که وهابیون خود می‌دانند که اسلام با قرائت محمد عبدالوهاب هیچ جذابیتی ندارد و مسلمانان از آن فرار می‌کنند و معرفی وهابیت به مثابه یک نحله مستقل برای آنها خطر بزرگی است.

* وهابیون با نام سلفی برای خود جلب مشروعیت کردند

وی در پایان گفت: در حقیقت آنها با سلفی خواندن خود از نام بزرگان اهل سنت همچون امام بخاری، امام فخر رازی و... مشروعیت می‌گیرند، چرا که اگر بگوئیم اسلام آنها اسلام سلف و بزرگان اهل سنت است، در آن صورت این مسلک مورد استقبال اهل تسنن واقع شده و بین‌المللی می‌شود، اما اسلام عبدالوهاب اسلام انحصاری است و به همین دلایل اینان وهابیت را در پناه کلمه سلفی بردند.